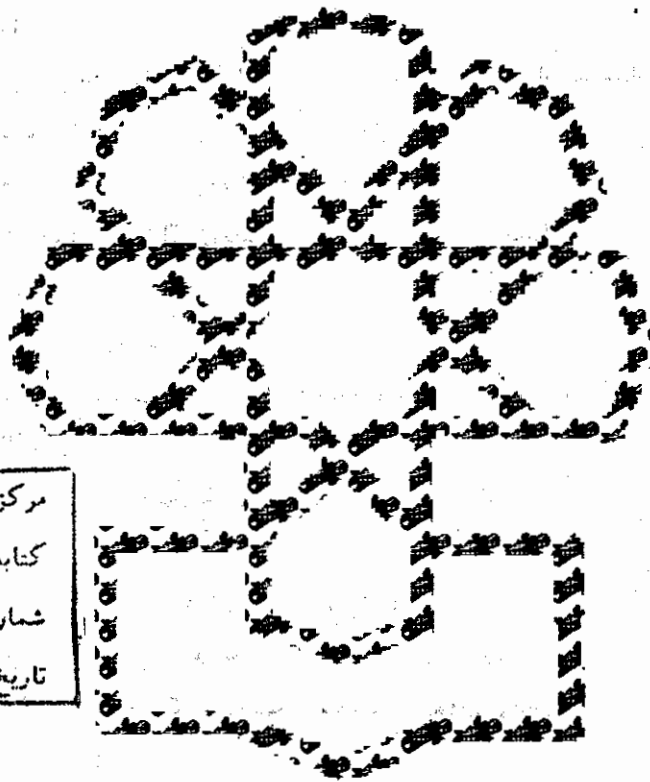




# درباره طرح مستثنیات دین و سایر الزامات مالی



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه واحد اسناد و اطلاع‌رسانی  
شماره: ۷۴۳۹  
تاریخ: ۷۲/۶/۹۵

معاونت پژوهشی  
دی ماه ۱۳۷۴

کار: دفتر بررسی‌های حقوقی

کد گزارش: ۱۹۰۱۰۹۵

## درباره طرح مستثنیات دین و سایر الزامات مالی

کد گزارش: ۱۹۰۱۰۹۵

مقدمه

### الف - هدف طرح

همان‌گونه که در مقدمه توجیهی طرح حاضر بیان شده است، در برخی از موارد اجرای احکام محاکم و یا اقدامات بعضی از مراجع وصول حقوق دولتی مانند مراجع مالیاتی، عوارضی و تأمین اجتماعی برای پرداخت دین یا محکوم به مالی و یا حقوق و عوارض دولتی و یا حق بیمه و امثال آن، موجب اضطراب و استیصال مدیون محکوم علیه و مؤدی حقوق و عوارض دولتی می‌شود. حال با توجه به قاعده نفی عسر و حرج در شرع مقدس اسلام و برای جلوگیری از استیصال و افلاس افراد مدیون با حسن نیت، طرح حاضر تقدیم گردیده است.

### ب - سابقه قانونگذاری

قبل از اینکه به بررسی سوابق امر در قوانین موضوعه بپردازیم، لازم است اشاره کنیم که بحث مستثنیات دین در سوابق فقهی نیز مطرح بوده و روایاتی نیز در این خصوص از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) منقول است که مورد استفاده فقها قرار گرفته است. منتهی فقهای عظام شیعه در خصوص مصادیق مستثنیات دین متفق القول نیستند و بعضی موارد آن را بسیار محدود می‌دانند و بعضی دیگر نیز قائل به این هستند که هر آنچه برای زندگی معمولی مدیون ضروری است از جمله مستثنیات دین می‌باشد اعم از مسکن، اثاثیه و لوازم منزل و وسایل معاش.

در قوانین موضوعه ایران بحث مستثنیات دین ابتدا در ماده ۶۳۰ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ هجری قمری مطرح شد. در سال ۱۳۵۶ که قانون اجرای احکام مدنی به تصویب رسید بحث مستثنیات دین در ماده ۶۵ مطرح شد. عین عبارت ماده ۶۵ قانون اجرای احکام که هنوز معتبر است عبارت است از:

«ماده ۶۵ - اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود:

۱- لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است.

۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب‌النفقة او.

۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.

۴- اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص غیر قابل توقیف می‌باشد.

تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف

و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود.»

در کنار این ماده در آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از

عملیات اجرایی مصوب ۶ تیرماه ۱۳۵۵، ماده ۶۹ به بحث مستثنیات دین در اجرای ثبت، اختصاص داده شده

است. عین عبارت ماده مزبور به این قرار است:

«ماده ۶۹ - اشیای زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی شود:

(الف) لباس و اشیایی که برای حوایج ضروری متعهد و خانواده او لازم است.

(ب) آذوقه موجود به مقدار احتیاج سه ماهه متعهد و نفقه اشخاص واجب النفقه او.

(ج) نوشتجات متعهد به استثنای اسناد مطالبات و کاغذهای قیمتی و سهام شرکتها و هر قسم برگهای بهادار دیگر.

(د) اسلحه و لباس رسمی و نیمه رسمی متعهد و نیز اسباب نظامی مأمورین ژاندارمری و شهربانی و اسباب و آلات زراعتی و حرفه ای و صنعتی که برای تأمین معیشت ضروری یومیه متعهد لازم است. از قبیل اتومبیلهای کرایه و تراکتور و غیره و به طور کلی آنچه که برای حرفه اختصاص داده شده است.

تبصره - مستثنیات دین که به رهن و وثیقه داده شده از شمول این ماده بیرون است.»

در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۸ بند «ه» و نیز یک تبصره توسط شورای عالی قضایی به صورت زیر به ماده مزبور اضافه شد:

«(ه) - مسکن مورد نیاز و متناسب بدهکار و عائله او.

تبصره - اگر بدهکار بمرور دین او از کلیه اموال به جا مانده بدون استثناء چیزی استیفاء می شود.»

همچنین در تاریخ ۶۰/۱/۳۰ بند «و» با عبارت: «وسایل دیگر مورد نیاز مدیون و افراد عائله تحت تکفل او از قبیل تلفن و وسیله رفت و آمد معمولی و نظایر اینها.» توسط شورای عالی قضایی به ماده مذکور اضافه شد.

در تاریخ ۷۰/۹/۲۳ ماده ۶۹ به شرح زیر اصلاح شد:

«ماده ۶۹ - اموال و اشیای زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی شود:

۱- مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب النفقه او

۲- لباس، اشیاء، اسباب و اثاثی که برای رفع حوایج متعهد و اشخاص واجب النفقه او لازم است

۳- آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عائله او

۴- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص

واجب النفقه آنان

۵- سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص، غیر قابل توقیف می باشند.

تبصره ۱- در صورت فوت متعهد، دیدن از کلیه اموال به جا مانده از او بدون استثناء چیزی استیفاء

می شود

تبصره ۲- در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیای موضوع با نیاز اشخاص

فوق الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۲۲۹ اتخاذ تصمیم

خواهد کرد.»

### ج- طرح موضوعات

در خصوص طرح حاضر به ذکر چند نکته به شرح ذیل می پردازیم:

۱- دامنه مستثنیات دین گسترش یافته، متقابلاً بعضی موارد نیز در نظر گرفته نشده است.

۲- آیا با تصویب طرح حاضر، ماده ۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا نسخ می شود یا خیر؟

۳- بحث مستثنیات دین معمولاً بعد از اقامه دعوی و در مقام توقیف مطرح می شود.....

۴- واژه مقترض در تبصره ۴ مناسب نیست.  
۵- تبصره ۲ مبهم است و عملاً مشکلی را حلی نمی‌کند

### اظهاری نظر کارشناسی

در خصوص طرح حاضر محاسن و نیز ایراداتی به نظر می‌رسد که به عنوان نظر کارشناسی به شرح زیر بیان می‌شود:

#### الف - محاسن

به نظر می‌رسد که طرح حاضر از دو بعد دارای حسن است، نخست آنکه به پیروی از فقه غنی اسلام با توجه به قاعده مسلم نفی عسر و حرج که مبنایی قرآنی دارد (آیه ۲۲ از سوره حج و آیه ۲۸۰ از سوره بقره و آیات دیگر) از استیصال و افلاس و در عسرت قرار گرفتن مدیون جلوگیری می‌شود. دوم آنکه چنانچه هدف این باشد که ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا نسخ شود (زیرا در وضعیت حاضر این امر مبهم است) به لحاظ اینکه مقررات حاکم بر مستثنیات دین تابع قانون واحدی می‌گردد و از این حیث تفاوتی بین مقررات اجرای ثبت و اجرای دادگستری نخواهد بود تقدیم طرح حاضر معقول و مستحسن خواهد بود.

#### ب - ایرادات

۱- از یک طرف دامنه مستثنیات دین گسترش یافته و از طرف دیگر بعضی موارد در نظر گرفته نشده است چنانچه در مفاد طرح حاضر دقت شود ملاحظه می‌شود که این طرح در مقایسه با دو قانون معتبر فعلی (ماده ۶۵ اجرای احکام مصوب سال ۵۶ و ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای ثبت) موارد و مصادیق مستثنیات دین را از یک جهت توسعه داده و از جهت دیگر محدود نموده است. به عنوان مثال در بند «ب» ماده واحد، وسیله نقلیه از جمله مصادیق مستثنیات دین قرار داده شده در حالی که در قوانین موجود این مورد جزو مستثنیات دین نیست. البته شایان ذکر است که در تبصره ۲ (الحاقی ۶۰/۱/۳۰) ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای ثبت اسناد وسیله نقلیه معمولی و نیز تلفن از مصادیق مستثنیات دین قرار داده شده بود اما به لحاظ آنکه احتساب این موارد در عداد مستثنیات دین معقول نبود و عملاً موجب سوء استفاده و فرار بدهکاران از ادای دین شده بود در اصلاحیه سال ۷۰ این موارد حذف گردیدند. لیکن مشاهده می‌شود که در طرح حاضر مجدداً این مورد اضافه گردیده در حالی که توجیه معقولی برای آن به نظر نمی‌رسد. زیرا اصل این است که تمامی اموال افراد وثیقه پرداخت دین آنها می‌باشد، مگر بعضی از موارد که به جهت جلوگیری از به عسرت افتادن مدیون مستثنی هستند و طلبکار نمی‌تواند آنها را توقیف نموده و به فروش رساند. در این میان در مورد این که آیا وسیله نقلیه از مصادیق مستثنیات دین هست یا خیر و اینکه آیا بود و نبود آن موجب تعسر مدیون می‌شود یا خیر تردید بسیار وجود دارد. بدیهی است که در موارد تردید استثنا را نباید گسترش داد. همچنین اگر از بعد عملی هم به قضیه دقت شود ملاحظه می‌گردد که در حال حاضر که قوانین موجود در ارتباط با مستثنیات دین ظاهراً سختگیری نموده‌اند (ماده ۶۵ اجرای احکام ۵۶) باز هم اشخاصی که به نفع آنها حکم صادر شده است کمتر می‌توانند به حق خویش برسند، زیرا مدیونین به انحای مختلف اموال خویش را از دسترس خارج می‌نمایند به نحوی که به سختی می‌شود در اجرای تأمین خواسته و نیز احکام صادره، مالی را توقیف

نمود؛ حال اگر به موارد مستثنیات دین افزوده شود به طریق اولی محقین کمتر به حق خویش خواهند رسید و باب سوء استفاده باز تر خواهد شد.

متقابلاً در طرح حاضر به مواردی از قبیل آذوقه، وسایل کسب و پیشه و نیز اموالی که به موجب قوانین خاص قابل توقیف نیستند اشاره نشده در حالی که در عسری بودن توقیف این موارد تقریباً تردیدی وجود ندارد و در قوانین موجود هم به آنها اشاره شده است.

#### ۲- ماده ۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا نسخ نمی شود

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که مشخص نیست آیا به موجب طرح حاضر ماده ۶۹ آیین نامه اجرای ثبت اسناد نسخ می شود یا خیر؟ زیرا در طرح حاضر اشاره ای به این امر نشده است. پاسخی که با کمک تحلیل به این سؤال می توان داد این است که ماده مزبور نسخ نمی شود و به قوت خود باقی می ماند، زیرا درست است که در تبصره ۵ طرح گفته شده است کلیه قوانین و مقررات مغایر از تاریخ اجرای این قانون ملغی الاثر است، ولی به موجب این تبصره، ماده ۶۹ آیین نامه اجرای ثبت نسخ نمی شود، زیرا ماده مزبور یک قانون خاص محسوب می شود و از نظر قواعد و اصول حقوقی در باب تعارض قوانین (در اصول فقه، بحث تحت عنوان تعادل و تراجیح است) قانون عام مؤخر التصویب ناسخ قانون خاص مقدم التصویب نخواهد بود مگر اینکه صریحاً به آن اشاره شود. در اینجا هم اگر هدف این است که آن ماده نسخ شود باید صریحاً به آن اشاره شود.

#### ۳- بحث مستثنیات دین معمولاً بعد از اقامه دعوی و در مقام اجرای حکم و توقیف اموال مطرح می شود

باید توجه نمود که بحث مستثنیات دین عموماً وقتی مطرح می شود که محکوم له می خواهد از طریق مرجع رسمی (دادگستری) و یا دارنده سند رسمی از طریق اجرای ثبت حق خویش را به اجرا بگذارد و اموال مدیون را توقیف نماید، والا تا زمانی که دائن و مدیون با یکدیگر تفاهم دارند و به مراجع رسمی متوسل نشده اند، مدیون با رضایت خویش حتی می تواند مواردی را که تحت عنوان مستثنیات دین است به دائن بدهد و منعی از این حیث نیست. بنابراین تنها در مقام توقیف است که بحث مستثنیات دین مطرح می شود. در نتیجه بهتر است صدر ماده واحده به صورت زیر اصلاح گردد؟ «اموال مشروحه ذیل از مستثنیات دین محسوب می گردند و قابل توقیف نیستند».

#### ۴- واژه مقترض در تبصره ۱ مناسب نیست

تبصره ۱ ماده واحده حاضر می گوید: «چنانچه مال مقترض اعم از نقدی و غیر نقدی نزد مدیون عیناً موجود باشد مشمول این قانون نخواهد بود».

باید توجه داشت که وجود رابطه دائنی و مدیونی بین دو شخص و بودن مال یکی نزد دیگری تنها در اثر عقد قرض ایجاد نمی شود و اسباب متعددی می تواند داشته باشد من جمله عقد بیع یا وکالت یا ودیعه و حتی ضمانات قهریه. در نتیجه ملاحظه می شود که واژه مقترض این موارد را پوشش نمی دهد و مناسب نیست. بنابراین بهتر است همان گونه که کمیسیون امور قضایی و حقوقی پیشنهاد نموده به جای واژه «مقترض» از واژه طلبکار یا دائن استفاده شود.

#### ۵- تبصره ۲ مبهم است و عملاً مشکلی را حل نمی کند

تبصره ۲ می گوید: «منظور از ضرورت های مذکور در این قانون عیارت از این است که اگر مدیون مکلف به فروش و تأدیه دین شود گرفتار عسر و حرج و سختی در زندگی گردد. در صورت اختلاف در

تشخیص ضرورت بین دائن و مدیون رأی دادگاه ملاک عمل خواهد بود.»

این تبصره اولاً مبهم است، زیرا معلوم نیست که اگر در تشخیص موارد ضروری اختلاف پیش آمد آیا موارد مورد تردید باید توقیف شوند و بعد مدیون در دادگاه ثابت نماید که مورد نزاع از موارد ضروری است، یا اینکه توقیف صورت نمی‌گیرد و این دائن است که باید ضروری بودن را ثابت نماید. روشن است که به کمک تحلیل حقوقی و با توسل به قواعد و اصول می‌توان به این سؤال پاسخ داد، اما اسلوب قانون‌نویسی اقتضا می‌نماید که حتی الامکان متن قانون روشن باشد.

ثانیاً این تبصره با تعریفی که از ضرورت نموده عملاً هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، زیرا در وضعیت حاضر موردی ضروری است که اگر توقیف شود موجب عسر و حرج می‌گردد. در حقیقت ملاک، تشخیص ضرورت عسر و حرج است، در حالی که بر همه حقوقدانها واضح و مبرهن است که مفهوم عسر و حرج به همان اندازه ابهام دارد که مفهوم ضرورت و هیچ‌کدام از این دو واژه کمکی به رفع ابهام از دیگری نمی‌کند. هر دو این مفاهیم مبهم و نسبی هستند و برای تشخیص مصادیق آنها ملاک روشنی وجود ندارد. بنابراین به کارگرفتن یکی برای رفع ابهام از دیگری معقول و مناسب نیست. در نتیجه به نظر می‌رسد مناسب‌تر این باشد که از تعریف ضرورت پرهیز شود، زیرا امر موضوعی و مفهومی نسبی است که موارد آن می‌تواند کاملاً با هم متفاوت باشد، ولی در موارد اختلاف بهتر است مصداق مورد تردید توقیف شود و اگر مدیون معتقد است که آن مال از جمله ضروریات است در محکمه این مطلب را مطرح و پیگیری نماید و نظر دادگاه ملاک عمل قرار گیرد، زیرا این مثنی با قواعد و اصول سازگار است (اصل محدود بودن مستثنیات دین ...).

\*

#### پیشنهاد

با عنایت به مباحث و مطالب پیش گفته موارد ذیل به عنوان پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱- صدر ماده واحد به صورت زیر اصلاح شود:

«اموال مشروحه ذیل از مستثنیات دین محسوب می‌شوند و قابل توقیف نیستند.»

۲- بند «ب» حذف گردد و به جای آن این بند اضافه شود: «آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه

محکوم علیه و اشخاص واجب‌النفقه وی.»

۳- بندی تحت عنوان «ه» و به شرح ذیل اضافه شود: «وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران و کشاورزان

متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب‌النفقه آنان»

۴- بند دیگری تحت عنوان «و» به شرح ذیل اضافه گردد: «سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین

خاص - غیر قابل توقیف می‌باشد.»

۵- اگر هدف این است که ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا نسخ شود صریحاً

پیش‌بینی شود. چون در وضعیت حاضر ماده مزبور نسخ نمی‌شود.

۶- به جای واژه «مقترض» از واژه «طلبکار» یا «دائن» در تبصره ۱ استفاده شود.

۷- تبصره ۲ به شرح زیر اصلاح شود:

«تبصره ۲- در صورت اختلاف در تشخیص ضرورت، مال مورد اختلاف توقیف می‌گردد. ولی

مدیون برای اثبات ضروری بودن می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید، رأی دادگاه ملاک عمل خواهد بود.»